

## در باره «پایان نامه» امیر پیام !!!

وقتی نوشته امیر پیام " در پایان چیزی به نام جریان «لغو کار مزدی» خواندم، به این فکر افتادم که چند کلمه ای پاسخ برایش بنویسم. اما با هر کدام از دوستانم که مسأله را در میان نهادم من را بسیار جدی و درست از پرداختن به این کار ممانعت کردند. آنان گفتند کار ما پاسخ دادن به این نوع آدمها نیست. ما به افرادی جواب می دهیم که حداقل یکی، دوتا کارگر او را بشناسند. امیر پیام در عداد این آدمها نیست. با این وجود خواندن نامه او نکاتی را در دلم گره زده است که می خواهم نه با ایشان بلکه با کارگر ایرانی و جای دیگر در میان بگذارم.

هیچ کارگری برای درک حقانیت جنبش ضد سرمایه داری و برای لغو کار مزدی با مشکل مواجه نیست زیرا که اجبار زندگی اوست با این وجود اگر اینجا و آنجا تردیدی در این زمینه برایش پیش آید می تواند نگاه کند و ببیند که مخالفان این جنبش چه می گویند. هر چه مخالفان تا امروز گفته و می گویند بر خلاف نیتشان فقط حقانیت این جنبش را تصدیق می کنند. امیر پیام هم در نقش مخالف جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر دقیقاً چنین کرده است. او قبل از هر چیز دست تمامی مدیحه سرایان دربارهای شاهی را در کیش شخصیت و در ابراز زبونی و حقارت خود در مقابل شخصیتها از پشت بسته است. این کار برای هر کارگری ننگ است. فعالین ضد سرمایه داری دشمن جدی هر نوع مرید و مرادی و تقلید و اجتهاد هستند. آنچه امیر در منقبت یدالله گفته است بی کم و کاست از سنخ اراجیفی است که فخرالدین حجازی در ستایش خمینی بر زبان راند و کار حجازی آن قدر کریمه و شنیع بود که حتی خمینی را هم به انتقاد واداشت. اینکه آیا خسروشاهی چنین کند یا نکند نمی داند ولی اگر او امیر را سرزنش نکند معلوم است که در حرص شخصیت پرستی از خمینی هم عقب مانده تر است. آیا نفس همین کار امیر ابتذال گرایش ارتجاعی سندیکالیستی او را نشان نمی دهد؟

امیر پیام نقد رژیم ستیزی توخالی فراطبقاتی خاص اپوزیسونهای بورژوازی از موضع رژیم ستیزی رادیکال طبقاتی و کارگری و کمونیستی و ضد کار مزدی را کاستن اهمیت مبارزه ضد رژیمی می داند!!! آیا همین حرف او کافی نیست تا هر کارگری را به عمق چنندش بار رفرمیسم راست سندیکالیستی دوقلوی حزب سازی سوسیال بورژوائی آشنا و آشناتر سازد؟

امیر ناراحت است که فعالین ضد سرمایه داری به حزب سازی سوسیال بورژوائی چپ موجود انتقاد دارند. فعالین ضد سرمایه داری در این گذر چندین اثر مستدل آگاهگرانه و منسجم و رادیکال مبتنی بر آموزشهای مارکس و چندین نقد ریشه ای مستحکم علیه این نوع حزب سازی انتشار داده اند اما من در اینجا فقط می خواهم یک مورد عینی را برای کارگران نقل کنم. در سال ۱۳۶۲ در کردستان ایران عده ای آدم پدیده ای به نام حزب کمونیست ایران را درست کردند. کار این حزب این بود که کار کارگران کرد را از سنگر ضد سرمایه داری خارج و پیشمرگه جنبش خلقی سازد. این حزب از آن روز تا امروز مثل جلگر زلیخا شقه شقه شده است که امیر پیام هم چند روزی فالانژ متعصب بسیجی منش یکی از همین شقه ها بوده است. حاصل این پروسه حزب سازی ۲۵ ساله الان این است که تعدادی فعال جنبش کارگری کرد دشمن خونی همدیگرند. یکی پشت سر حمید تقوائی است، دیگری پشت ایرج آذرین یا رضا مقدم. یکی برای کورش مدرسی کار می کند. چهارمی گوش به فرمان علی جوادی است، پنجمی تفنگ عبدالله مهدی را به سوی عمر ایلخانی نشانه می رود. ششمی در سنگر عمر علیه عبدالله می جنگد، هفتمی طرفدار ابراهیم علیزاده است، هشتمی با ساعد وطندوست همراه است. نهمی به ایرج فرزاد نماز می گذارد. دهمی که آخرین و بی مقدارترین است یعنی آقای

امیر پیام به خاطر اینکه کرد نیست بهمن شفیق را پیدا کرده است. حزب یعنی اتحاد پرولتاریا برای نابودی نظام سرمایه داری و سؤال من این است که کدام دولت هار و جنایتکار بورژوازی قادر بوده است با توحش و جنایت خود این گونه کارگران را به نفع نظام سرمایه داری علیه هم شقه شقه کند و در مقابل هم به جنگ وادارد؟ فراموش نکنیم که همین کارگران درس آموز این پروسه حزب سازی امروز به دستور اربابان حزبی خود می خواهند هر فعالیت ضد سرمایه داری کارگران را هم به نفع بورژوازی شقه شقه کنند.

امیر گفته است که جنبش ضد سرمایه داری و برای لغو کار مزدی به پایان کار خود رسیده است!! این آرزویی است که کل بورژوازی و از جمله سندیکالیستهای از نوع امیرپیام قطعاً آن را به گور خواهند برد. روزگار ما روزگار شکوفائی و سرزندگی و عروج این جنبش است. رفرمیسم راست و چپ یک قرن این جنبش را زمینگیر کرد و خطر تعرض نیرومند آن را از سر نظام سرمایه داری کوتاه ساخت. این دوران تمام شده است. تا آنجا تمام شده است که دیگر اتحادیه های منفور متبوع آقای پیام هم قادر به تمدید آن برای بورژوازی نیستند.

من در رابطه با نامه امیر پیام توضیح بیشتری لازم نمی بینم. در خانه اگر کس است یک حرف بس است.

امید زار عیان

کارگر خدمات عمومی کانادا

ژانویه ۲۰۰۸